

نگاهی گذرا به وضعیت ایلام در دوره ساسانی

علی جعفری^۱

فرشید جعفری^۲

چکیده:

سرزمین ایلام صاحب فرهنگ و تمدنی اصیل و تاریخی چند هزار ساله است. آثار و تپه های باستانی و حتی زبان و واژه های موجود حکایت از مردمی ایرانی الاصل با فراز و نشیب های فراوان دارد. با این حال متأسفانه تاکنون چه در زمینه باستان شناسی و چه در زمینه های تاریخی، فرهنگی و حتی اقتصادی تحقیقات و پژوهش هایی در خور درباره این منطقه صورت نگرفته است و همین امر باعث قلت منابع و مآخذ گردیده و از طرف دیگر به نوعی گمنامی این منطقه را در پی داشته است. مقاله حاضر به طور بسیار مختصر و موجز گوشه ای از تاریخ چند هزارساله ایلام را به تحریر در آورده است، در واقع همانطوری که از عنوان مقاله پیداست ما در پی آن هستیم که با نگاهی گذرا تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی استان ایلام را در دوره ساسانیان باروش توصیفی-تحلیلی و براساس منابع کتابخانه ای مورد بررسی قرار دهیم. **واژگان کلیدی:** ایلام، ساسانیان، ماسبدان، سیمره، مهرجانقدق.

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان
۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز

باز نمایاندن تاریخ استان ایلام در این مقاله کوتاه نمی گنجد و نیاز به بررسی ها و کاوش های علمی فراوان دارد، هر چند کتابهای گوناگونی در راستای تاریخ سترگ استان ایلام تدوی گشته، ولی همگی آنها سخنان تکراری که در لابه لای متون کهن و آثار تاریخی از سوی خاورشناسان و نویسندگان به جای مانده است می باشد. تاریخ این دیار نیاز به بررسی و کاوش دقیق از روی مدارک باستانی و تاریخی نخورده دارد تا تاریخی تازه و اندیشه های جدیدی به خوانندگان ارائه کرد. فقدان اسناد و مدارک تاریخی به ما اجازه نمی دهد که آنچنان باید و شاید در مورد استان ایلام قلمفرسایی کنیم در مجموع عدم توسعه راههای ارتباطی، عدم امنیت جهت عبور و مرور مسافران خارجی، موقعیت خاص جغرافیایی منطقه و به خصوص صعب العبور بودن آن و... همگی از عواملی هستند که سبب شده است که تحقیقات تاریخی و باستان شناسانی علمی و گسترده در این منطقه صورت نگیرد. بدون شک استان ایلام یکی از مهمترین مناطق فلات ایران بوده است که اقوام مختلف در آنجا حضور داشته اند بنابراین پرداختن به تاریخ کهن این منطقه با اشاره به تمام زوایای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... نیاز به فرصت و مجالی فراتر از یک یا دو مقاله دارد. این مقاله با نگاهی گذرا اوضاع ایلام را در دوره ساسانی مورد واکاوی قرار می دهد..

موقعیت جغرافیایی و وجه تسمیه ایلام

استان ایلام در غرب کشور با گسترش بیش از ۱۹۰۴۴ کیلومتر (۲۲۰ کیلومتر و ۱۰۰ کیلومتر عرض) و تقریباً ۱/۲ درصد وسعت کشور است و میان ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی لز خط استوا و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد (علیرضایی، ۱۳۸۰: ۱۸). این استان از سوی شمال به استان کرمانشاه از جنوب به استان خوزستان و کشور عراق، از مغرب به کشور عراق و از مشرق به استان لرستان و شهرستانهای دزفول، اندیمشک و شوش در استان خوزستان محدود می شود. حدود طبیعی استان ایلام بدین شرح است : از شمال، کوه مانشت که تا رود سمیره امتداد دارد، از شرق مسیر رودخانه سمیره و

کرخه ؛ از جنوب مسیر رودخانه دویرج (تله زی) ؛ و از ناحیه غرب، مرز قرار دادی کشور عراق . و اما در باب وجه تمسیه ؛ واژه اعیلام یا ایلامتو که یونانی ها آن را الیمایس می خواندند به معنی جبال است . ایلام نامی برای نواحی کوهستانی کشور عیلام بوده است که بعدها نام خود را به کل کشور بزرگ عیلام داده است (یاری، ۱۳۸۰: ۴۳). عیلام در کتیبه های بابلی، آرام یا آلامتو آمده است که معنی «کوهستان» یا «کشور طلوع خورشید» را می دهد (اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۵).

اوضاع ایلام قبل از دوره ساسانی

سرزمینی که امروزه استان ایلام نامیده می شود از گذشته های بسیار دور محل زندگی اقوامی بوده است که صاحب تمدن و فرهنگ والا و اصیل بوده اند کوهها و تپه های این استان سرشار از آثار و اشیایی است که گویای تمدن و فرهنگ والایی بوده اند . رودخانه های بزرگ و کوچک این خطه از فلات ایران سرزمین های حاصلخیزی را فراهم می ساخت که ساکنان آن در اطراف آنها کشاورزی پرداخته و امرار معاش نمایند . در واقع این منطقه یکی از قدیمیترین مراکز سکونت، چه به صورت کوچ نشینی و چه به صورت یکجانشینی، در فلات ایران می باشد و آثار به دست آمده قدمت تاریخ و تمدن این ناحیه را به هشت هزار سال پیش از میلاد نیز می رساند . از طرف دیگر همسایگی با قدیمی ترین مرکز تمدن جهان یعنی بین النهرین و ارتباط نظامی، فرهنگی، و اقتصادی با ساکنان و مردم این نواحی بر غنای فرهنگی و تمدنی آن افزود (یاری، ۱۳۸۰: ۴۳).

چهره تاریخی استان ایلام تا صد سال پیش ناشناخته بود، ولی در نتیجه بررسی های باستان شناختی که در شوش (پایتخت عیلام)، دهلران، موسیان، دره شهر، هلیلان، ایوان و دیگر مناطق استان ایلام به عمل آمد چهره تاریخ این منطقه باستانی نمودار شد و معلوم شد که یکی از کهن ترین کانونهای تاریخی و باستانی ایران است (علیرضایی، ۱۳۸۰: ۲۱). استان ایلام فروزان از تمدن دیر پای سرزمین سرزمین عیلام باستان است . این استان دوران ماد، هخامنشی، سلوکی و اشکانی به جهت همسایگی به حوزه های همدان، کردستان، کرمانشاه، لرستان، و از همه قرار گرفتن در آغوش

خوزستان دارای آثار مربوط به این دوره بوده است که متأسفانه پژوهش‌های آن چنانی در این زمینه صورت نگرفته است (اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۴). نگاهی گذار به نقشه فعلی استان ایلام، محدوده‌ای را تصویر می‌نماید که عمدتاً کبیرکوه آن را به دو نیم درجهت شمال‌غربی به جنوب شرقی تقسیم کرده و در دو حوزه جغرافیایی در شمال و جنوب و یا حوزه مرکزی بر فراز ارتفاعات میانی بوجود آورده است. جریان رودخانه‌های دائمی و پر آب نظیر سیمره در امتداد کبیرکوه و چندین رودخانه که از دامنه‌های مجاور و شمال آن به سمت آن رودخانه مزبور جاری می‌باشند از یکسو و از رودخانه‌های پر آب و متعددی نظیر گنگیر، ایوان، کنجانچم مهران، میمه زرین آباد و دویرج دهلران که مجموعاً از دامنه‌های جنوبی رشته کوه‌های منطقه و کبیرکوه و سیاکوه به سمت مرز عراق جریان دارند زمینه‌ای مناسب برای استقرار مداوم بشر نخستین تا به امروز ایجاد کرده که همین وجود آب و خاک مناسب و موقعیت استراتژیکی باعث حضور تمدنهای کهن در اعصار مختلف تاریخ شده است (خلیلیان، ۱۳۷۹: ۶۴). جایگاه اصلی عیلامیان پس از مهاجرت از بابل دره‌هایی است که در امتداد زاگرس تا محدوده سوزیانا (شوش) کشیده شده و بوسیله یک سلسله ارتفاعات موازی هم از دشتهای آشور جدا می‌شوند. استرابون از عیلامیان به عنوان ساکنان نواحی زاگرس در محدوده جنوبی ماد و شمال بابل و شوش یاد کرده است. چنین به نظر می‌رسد که جلگه آریوخ قدیمیترین نام منطقه استان ایلام بوده است (افشار، ۱۳۷۲: ۲۸). در زمان پادشاهی بابل بانی پال مملکت آشور به اوج قدرت رسید، او که از نتیجه جنگ با عیلام ناراضی بود و از اوضاع داخلی آن کشور آگاهی کامل داشت، به سرزمین عیلام حمله کرد و مردم آن دیار را قتل عام نمود و شهر آنها را به تاراج داد (نعمتی، ۱۳۸۰: ۱۲۹). پیرنیا در این باره نوشته است: «آشور بانی پال، پادشاه عیلام (تام مارتو) را به عربابه سلطنتی بست و آنرا تا معبد آشور کشید» (پیرنیا، ۲۵۳۶: ۱۲۹).

آشور بانی پال در کتیبه خود چنین می‌گوید: «خاک شهر شوشان و شهرماداکتو و شهرهای دیگر را تماماً به آشور کشیدم و در مدت یک ماه و یک روز کشور عیلام را به تمام عرض جاروب کردم. من این مملکت را از عبور چشم و گوسفند و نیز نعمات

موسیقی بی نصیب نمودم و به درندگان و مارها و جانوران کویر و غزال اجازه دادم که آن را فرا گیرند (پیرنیا، ۲۵۳۶: ۱۲۹).

با سقوط دولت عیلام به دست آشور بانی پال بخش کوهستانی دولت عیلام همچنان در دست حکومت عیلام باقی ماند و با ورود آریایی ها به فلات ایران و تشکیل حکومت توسط مادها به تدریج تمام مناطق غرب از جمله ایلام به تصرف آنها در آمد و در تقسیم بندی ساتراپی ها سرزمین ایلام کنونی جزء ساتراپی هشتم بود (نعمتی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). با تأسیس حکومت هخامنشی در ۵۵۰ ق.م توسط کوروش سرزمین عیلام به تصرف هخامنشیان در آمد. در تحولات داخلی دولت هخامنشی و به قدرت رسیدن داریوش اول این منطقه اولین ولایتی بود که علیه وی قیام کردند و رهبر شورشیان شخصی بود به نام آترنیا که از خانواده های سلطنتی قدیم عیلام بود. چون مردم زیادی از وی حکومت نکردند در مقابل نیروهایی که داریوش برای سرکوبی وی اعزام کرده بودند تاب مقاومت نیاورد، شکست خورد و اسیر گردید و داریوش شخصاً او را از بین برد (پتروشفسکی، ۱۳۴۲: ۷۹). تقسیمات کشوری در ایران، از سده ۵ ق.م توسط همین هخامنشیان، در سراسر فلات ایران آغاز شد. نخستین تقسیمات سیاسی در زمان داریوش اول هخامنشی انجام شد، در این زمان قلمرو ایران وسیع و شامل تمامی فلات ایران، جلگه بین النهرین، آسیای صغیر، شرق شبه جزیره بالکان، سواحل مدیترانه شرقی و... بود. در دوره هخامنشی استان ایلام، لرستان و خوزستان امروزی به نام اوچ یا سوزیانا (الی مائیس) یکی از ۳۱ ایالت یاساتراپی این مملکت بوده است (افشار، ۱۳۷۹: ۲۸۲). در دوره سلوکیان این منطقه از ایالات مهم بوده و در زمان حکومت آنتیوخوس چهارم از حوزه فرمانروایی سلوکیان بیرون آمد و استقلال یافت و با تأسیس حکومت اشکانیان همواره از استقلال داخلی برخوردار بوده است. یکی از بزرگترین مشکلات اشکانیان برای حکومت در ایران، وجود حکومت‌های مستقلی چون پارس، آذربایجان، ارمنستان و عیلام بوده است. این ایالتها به حکومت اشکانیان فقط مالیات می دادند و حاضر به قبول اطاعت از آنها نبودند، در نتیجه اشکانیان تعدادی از آن حکومتها را مغلوب کردند و بقیه ایالت که از استقلال داخلی برخوردار بودند، وظیفه داشتند، یکی پادشاه اشکانی را محترم شمارند و دیگر در هنگام جنگ او را یاری دهند (افشار، ۱۳۷۹: ۲۸۲).

اردشیر بابکان با کمک بزرگان متحد خود، حکومت خانواده های متحد اشکانی را در هم شکست و توانست سلسله ای را تأسیس کند که حدود ۴۱۶ سال حکمرانی کند و دوران درخشانی را از ابعاد مختلف رغم بزند.

وضعیت استان ایلام در دوره ساسانی

الف (اوضاع سیاسی

بنا به روایتهای باستانی، در آخر سده دوم میلادی، ساسانیان از نجبا و بزرگان پارس، در شهر استخر فارس، موبد معبد ناهید بود. وی در اثر حفظ شعائر مذهبی و تقوا به تدریج در سلک روحانیت، صاحب شهرت و نفوذ و قدرت شد (کریستنسن، ۱۳۵۹: ۱۰۶). پس از درگذشت او پسر و جانشین او پاپک با دختری از خانواده بازرنگی (خاندان سلطنتی محلی) ازدواج کرد، و با کودتایی قدر را از گوتچهپیر، امیر بازرنگیان، گرفت. پاپک بعدها موسس حقیقی سلسله ساسانی شناخته شد. جلوسوی بر تخت سلطنت در سال ۲۰۸ م. مبدأ جدیدی به شمار می رفت (گریشمن، ۱۳۴۶: ۲۹۱).

با غلبه اردشیر بر اردوان پنجم تأسیس سلسله ساسانی رسمیت پیدا کرد. ویژگی مهم این حکومت جدید، تمرکز سیاسی و وحدت دینی بود و بر اساس تقسیمات جدید کشوری منطقه ایلام جزء سرزمین پهل (یا پهللو) قرار گرفت، در زمان حکومت ساسانیان این منطقه به علت حاصلخیزی و نزدیکی به جلگه بین النهرین جمعیتش روز به روز افزایش یافت و شهر سازی و شهر نشینی در این منطقه رونق یافت و شهرهایی مانند ماسبدان، سیروان، مهرجان قذق، دهستانهای بزرگ و کوچکی مانند الرذ و رود بار در این ناحیه تأسیس شد. در منابع تاریخی ما تا زمان حکومت خسرو اول راجع به این منطقه سخن آنچنانی به میان نیامده، با قدرت رسیدن خسرو و انوشیروان تغییرات مهمی در جغرافیای سیاسی و اداری کشور پدید آورد (نعمتی، ۱۳۸۰: ۱۳۰). در دوره ساسانیان تا زمان انوشیروان ایران را مرزبانان اداره می کردند و از ایشان ۴ مرزبان اهمیت بیشتری داشتند؛ مرزبانان ارمنستان، خوارزم، حدود روم و مرزبانان خزرها و ارانی ها. انوشیروان ایران را به ۴ قسمت تقسیم کرد و هر قسمت را « پادگس » نامید اصل پادگس « پات گس » است و به معنای رئیس و امیر ناحیه می باشد. این کلمه در

پارسی « پادوسبان » و در عربی « فادوسفان » یا « فادوسبان » گردیده است (نهیچیری، ۱۳۷۶: ۶۲) چهارپاذگس عبارت بودند از:

اپاختر (ایالت شمالی)، شامل آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، اردن، دیلم، رویان، تیورستان و ری.

خراسان (ایالت شرقی)، در دوره ساسانیان علاوه بر خراسان امروزی، گمیسن (قومس)، گرگان، ماوراءالنهر و شهرهایی از افغانستان امروزی نیز جز خراسان محسوب می شدند. نیمروز (ایالت جنوبی) این ایالت شامل سکستان (سیستان)، کرمان، پارس، خوزستان، اصفهان، کلیه بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، و سند و مکران بود.

خوروران (ایالت غربی)، شامل استانهای امروزی کرمانشاه، کردستان، لرستان، و ایلام بود. در ضمن بین النهرین (عراق امروزی) و آسیای صغیر جزء این ایالت محسوب می شد. فرق دوره ساسانیان با اشکانیان از نظر تقسیمات و اداره کشور آن بود که در دوره ساسانیان مرکز خاصی بوجود آمد. ادارات از مرکز پیروی می کردند. در آن خود مختاری دوره اشکانی از بین رفت (همان). هر بخش از این تقسیمات که در بالا به آن اشاره شد توسط یکی از افراد خاندان سلطنتی تحت عنوان مرزبان البته با نظارت برادر شاه اداره می شد. در رأس استان، ساتراپ (استاندار)، در رأس شهر، شهر یگ، و در رأس روستا، دیهیک قرار داشته است (افشار، ۱۳۷۲: ۲۸۳).

بهرام چوبین فرمانده بزرگ نظامی هرمز که در جنگ با رومیان شکست خورده بود مورد بی مهری شاه قرار گرفت. در نتیجه بهرام که مورد علاقه نظامیان بود راه عصیان پیش گرفت با اینکه بهرام چوبینه از مورخان و تنظیم کنندگان روایات که وابسته به طبقات ممتاز بودند، فردی بدنهاد و نابکار معرفی شده است، ولی فردوسی او را مردی لایق و دادخواه معرفی می کند:

به لشکر چین گفت پس پهلوان که ای نامدار روشن روان

چو خواهید کایزد بود یارتان کند روشن این تیره بازارتان

کم آزار باشید و هم کم زیان بدی بر نبندید هرگز میان

همین که ده سال از پادشاهی هرمز گذشت مخالفان از هر طرف سر به طغیان برداشتند و چون ارکان حکومت ساسانیان را متزلزل دید، بعد از پیروزی بر ترکان، دعوی سلطنت

کرد و خود را از دودمان اشکانی معرفی نمود و با یاری سربازان که هواخواه او بودند، پیروزی‌هایی کسب کرد و آشکار گفت :

چه آرزم‌ها بر زمین بر زنیم همه بیخ ساسان زین بر کنیم

بهرام، توانست بر نواحی ماسبدان و مهر جانقذق دست یابد و به علت موقعیت خاص جغرافیایی این منطقه مدت زیادی توانست بر این ولایت حکومت براند و حملات خسرو پرویز را دفع نماید.

هنوز هم قلعه و پل بهرام چوبین یکی از آثار بر جای مانده دوران ساسانیان در این منطقه پابرجاست (نعمتی، ۱۳۸۰: ۱۲۰).

نجبا و اشراف که موقع را مناسب دیده بودند شاه را دستگیر و کور کردند و پسرش خسرو دوم را در سال ۵۹۰ م به جانشینی او بر گزیدند. اما بهرام چوبین که خود را از دودمان اشکانی می‌دانست پایتخت را محاصره کرد و تاج شاهی را بر سر نهاد و به نام خود سکه زد. خسرو دوم ناچار به امپراطوری روم که در رأس آن موریکیوس بود پناه برد و از وی استمداد نمود. امپراطوری خواهش او را پذیرفت و خسرو با کمک سپاهیان روم، بهرام چوبین را از میان برداشت (مشکور، ۱۳۶۳: ۶۲۰). زندگی بهرام چوبین و کارهای بزرگی که او انجام داد به شکل افسانه در آمد و داستانهایی که در اطراف شخصیت و اعمال حماسه‌ای وی ساخته شد، نام او را قرن‌ها در میان ایرانیان زنده نگه داشت (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۹۳).

با وجود شهرها و قلاع متعدد و اوضاع و احوال اقلیمی و موقعیت بسیار حساس و نظامی این منطقه برای شاهان ساسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. ممکن است دژ مستحکمی که در ارتفاعات شرق تیسفون وجود داشته است و خسرو پرویز هنگام تهدید از سوی امپراطوری روم که در این زمان هراکلیوس بود، خانواده خود را به آنجا انتقال می‌داده، در این منطقه بوده باشد (افشار، ۱۳۷۲: ۱۹۷).

در زمان حکومت یزدگرد سوم که مسلمانان به ایران حمله کردند، مناطق ایلام، لرستان، خوزستان توسط یکی از حکام هفتگانه پارسی به نام هرمزان اداره می‌گردید. هرمزان سردار بزرگ یزدگرد یکی از افرادی بود که در تحولات سیاسی، نظامی، و فرهنگی شامگاه عهد ساسانی و اوایل دوره اسلامی نقش آفرین شد (یاری، ۱۳۸۰: ۴۵).

خاندان هرمزان که در مآخذ عربی و فارسی به همین نام و گاهی با تحریف به صورت فیروزان و در بعضی مآخذ به نام هرمیزان آمده به یکی از هفت خاندان ممتاز دوره ساسانی می‌رسد (کریستنسن، ۱۳۵۹: ۱۵۹). هرمزان در دوره ساسانی فرمانروای خوزستان و مهر جان قدق است. که این مناصب در خاندان وی موروثی بود. وی در آثار مورخانی مثل طبری و بلعمی بالقب « شاه اهواز » معرفی شده است. در دوره ساسانی خوزستان شامل ۷۰ شهر بوده که هرمزان بر همه آنها امارت داشت (طبری، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۹۰). علیرغم انتساب وی به خاندان ممتاز، خویشاوندی او با خاندان ساسانی نیز یکی از دلایل کسب مقام‌های سیاسی و نظامی بوده است وی در جنگ‌های قادسیه و جلولاء حضور داشت و هنگام عقب نشینی یزدگرد سوم به قم و کاشان و با اجازه پادشاه به خوزستان و مهرجان قدق بازگشت و هسته مقاومت را در مقابل اعراب به دست گرفت (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۶۲). هرچند این مقاومت فاقد رهبری و سازمان مرکزی بود، اما در قالب یک سازمان دهنده محلی این ایستادگی را اداره تا قبل از محاصره شوشتر، روند پیشروی مسلمانان را کند کرده ولی با فشار روز افزون نیروی اسلام تاب مقاومت در خود ندید و تسلیم مسلمانان شد او با توجه به خطرهای جانی در محضر خلیفه مسلمین حاضر به اسلام آوردن نشد و به روایتی در زندان (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۶۳) و یا بعد از آزادی مسلمان شد (ریحانی، ۱۳۸۳: ۲۲). در اخبار الطول آمده که حضرت علی (ع) به عبیدالله قاتل هرمزان گفت: « که تو هرمزان را به ناحق کشتی. با اینکه به دست عموی من عباس اسلام آورده بود و پدرت دوهزار درهم وظیفه معین کرده بود حال از من انتظار داری که در امان بمانی » (دینوری، همان) با مسلمان شدن هرمزان هرچه از سر اجبار یا اختیار عمر او را به خدمت خود در آورد و در اموری مثل تأسیس دیوان بیت المال، دیوان سپاه، وضع تاریخ و ادامه فتوحات نقش پررنگی داشت (ریحانی، ۱۳۸۳: ۲۲).

ب) اوضاع اقتصادی

اقتصاد در دوره ساسانی بیشتر بر کشاورزی مبتنی بود تا بازرگانی. این دوره از نظر ازدیاد مداخل و توزیع محصولات و مصنوعات مهمتر از ادوار سابق است. مسکوکات

ساسانی سیمین، مسین و به ندرت زرین بود که در مبادلات تجاری و در منطقه ای وسیع مورد استفاده قرار می گرفت، تجارت خارجی به طور محسوس نسبت به قرون گذشته افزایش یافته بود و مخصوصاً شامل امتعه گرانبها و مصنوعات تجملی می شد که مورد استعمال دربار و طبقه ثروتمند و اشراف ایرانی بود (نهجیری، ۱۳۷۶: ۲۸۶). تجارت خشکی از طریق راههای کاروانروی قدیمی صورت می گرفت، بزرگراه اصلی « تیسفون » در کنار دجله که پایتخت بود، شروع می شد و از حلوان و « کنگاور » عبور می کرد و به همدان می رسید، در همدان به راههای مختلفی منشعب می شد یکی به سمت جنوب از خوزستان و فارس و دیگر به ری می رفت (نهجیری، ۱۳۷۶: ۲۸۶).

دوره ساسانی را می توان پررونق ترین عصر تاریخی دوره باستان برای استان ایلام دانست و آثاری که از آن به جای مانده به صراحت این امر تأیید می کند . اطلاعات ما بالطبع از این منطقه جغرافیایی در منابع باستانی اندک است و باید به منابع دوران نخستین اسلامی رجوع کرد . جغرافی نویسان مسلمان از محصولات خوب و مرغوب و فراوان در این منطقه بسیار سخن گفته اند . ابن خرداد به از قول قباد پادشاه ساسانی می نویسد: « بهترین چیزهای کشور من میوه های مدائن و سابور و (شاپور) وارجان (بهبهان) و ری و نهاوند و حلوان و ماسبذان است » (ابن خردادبه، ۱۳۷۰: ۴۲). در مورد میزان مالیات این منطقه در منابع به سه میلیون و پانصد در هم اشاره شده است (یاری، ۱۳۸۰: ۴۵)، میزان مالیات ایالت ماسبذان یک میلیون و دویست هزار درهم و مالیات مهرجان قذق یک میلیون و صد هزار درهم آمده است (زیدان، ۱۳۸۶: ۳۲۰؛ نفیسی، ۱۳۸۴: ۱۲۶) . همانطور که در بالا اشاره شد گرچه این مطالب مربوط به قرون نخستین اسلامی است اما می تواند نشان از آبادانی این منطقه و اقتصاد پویای آن در دوره ساسانی باشد . در صیمره (سیمره) در کوههای زاگرس به خصوص خرما و گردو و فندق و امثال آن انبار می شد (اشپولر، ۱۳۶۹، ج ۲: ۲۲۳) . و گفته شده که در تمام جبال فقط این شهر دارای نخلستان و خرما بوده است (لسترنج، ۱۳۶۴: ۲۱۹) . ابن حوقل سیروان را شهری می داند که میوه فراوان و بادام و دستنبویه داشته و محصولات سردسیری در آنجا به عمل آمده و نخیلات هم داشته . همچنین این مناطق دارای

معادن گوگرد و زاج و بوره و نمک بوده اند که در منطقه ماسبدان بیشتر یافت شده اند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۲۱۹).

ج) اوضاع فرهنگی و اجتماعی

علیرغم گذشت بیش از یک قرن از تسلط اعراب مسلمان بر ایلام برعکس برخی نواحی دیگر زبان عربی نتوانست رایج گردد. لغات و اصطلاحات رایج در بین منطقه، ریشه در زبانهای باستانی ایران چون اوستایی و پهلوی دارند، این گویشها نشانه تلاش مردم این منطقه در حفظ فرهنگ کهن خویش است. در زیر پاره ای از لغات و اصطلاحات گویشهای کردی، لری و ... و تطبیق آنها با پارسی باستان می پردازیم:

اسر *aser*: اشک. سرسک. *saraska* به معنای گریه آمده است، در پهلوی نیز به آن سرشک *kšsri* گویند. در اوستا برای اشک چشم واژه اسرو (*asru*) آمده است.

برز *barz*: به معنای بلند و به زمین مرتفع گفته می شود. در اوستا *berezaiti* به معنی بلندی و پشته و کوه است.

بن *ban*: به معنای درخت و ون در اوستا، و *vadha* و در پهلوی وژیوک.

پس *pas*: گوسفند، که در اوستا *pasa* و فشو *fašu* به معنای جانور اهلی آمده است.

حسیره *hosira*: خسیره *xosirn* به معنای پدر و مادر زن، در اوستا به پدر زن حواسرا گفته می شود.

حشک *hošk*: به معنای خشک. در اوستا هم به همین نحو آمده است.

ده *da*: دادن، بخشیدن از مصدر *dā* اوستایی به معنی دادن است.

کش *kaš*: پهلوی، بغل، سینه، از ریشه پهلوی و اوستایی به معنی سینه و بغل است.

گور (گوره) *govr*: بزرگ، فرد متشخص، در این مورد در ص ۱۶۳ بوستان سعدی به تصحیح دکتر محمد خزایلی، در مورد این واژه آمده است: « کلمه گبر از باب اهانت به زرتشتیان مردمی یادگار ایران باستان اند، قوی جثه بوده اند. گبر در معنی درشت و بزرگ به کار رفته است. » ناحیه ای در شمال شرقی دهلران وجود دارد، که به گور گور و *gur-govro* یعنی قبر گبران موسوم است. بزرگان محلی می گویند که انسانهای بزرگ در این خطه دفن شده اند.

مزگ mazg: مغز در اوستا، مزگا به معنی مغز است .
 وراز varaz: به معنای گراز و در اوستا وراز varaz.
 ورن varan: گوسفند نر . در توستا هم رهنق به معنی گوسفند نر آمده است .
 ویر vir: یاد، فهم، اندیشه، در اوستاهم vir به معنی حافظه و هوش است .
 خور xvar: خورشید، در پهلوی هم به این معناست .
 اسپ asp: به معنای اسب در پهلوی هم به این معناست (افشار، ۱۳۷۲: ۳۵-۴۳۲) .
 خط: در دوره هخامنشیان خط مردم استان ایلام، مانند دیگر نقاط مملکت خط میخی بود، که در کتیبه های شاهان هخامنشی دیده شده است . خطهای دیگری نیز مانند پهلوی هزوارش، در زمان اشکانیان و ساسانیان معمول شدند، که در سکه و نقوش آن دیده می شوند (افشار، ۱۳۷۲: ۴۰۶)

آیین ها : از آداب کهن این منطقه گرامی داشتن عید نوروز و آتش افروزی چهارشنبه سوری است در آخرین چهارشنبه مردم این منطقه با پوشال و هیزم در چند نقطه آتش می افروزند و از روی آن می پرند و جمله معروف، سرخی تو از من، زردی من از تو، را تکرار می نمایند و با هلله و شادی از نوروز استقبال می کنند (افشار، ۱۳۷۲: ۴۰۶) هنوز هم در منطقه ایلام آتش قابل احترام است و بر « تژگاه» و آتش آن آب نمیریزد مگر وقتی که بزرگ خانواده ای بمیرد. و به شعله آتش و نور چراغ سوگند می خورند، نوع برگزاری آئین ها، اعیاد و جشن های این منطقه عمدتاً ریشه در دوران ساسانی داند که با رونق خاصی برگزار می شده اند .

د) اوضاع مذهبی :

قبل از حمله اعراب مسلمان، دین مردم ایران، از جمله ساکنان سرزمین ایلام کنونی، زرتشتی بود، که در سده ۶ ق.م به وسیله زرتشت پایه گذاری شده بود . با انقراض سلسله ساسانی و افزایش مسلمین مردم این خطه به دین اسلام گرویدند .
 در برخی منابع است که نام سیروان در فهرست مراکز کلیسای سریانی شرقی در سالهای ۵۵۷ و ۵۵۳ آمده است اما مهر جان قذق در فهرست کلیسای نسطوری در سالهای ۵۵۸ و ۵۵۷ م آمده است (مشکور، ۱۳۷۱: ۷۳) .

حمله اعراب :

ابوموسی اشعری، سردار سپاه مسلمانان پس از فتح دینور، که به شرط پرداخت جزیه و خراج و امنیت جان و مالشان صورت گرفته بود عامل خود را آنجا گذارد و به سوی ماسبذان حرکت داد ساکنان ماسبذان با وی نجنگیدند و با وی با همان شرایط صلح دینور به توافق رسیده و جزیه و خراج پرداختتند . ابوموسی پس از آن سوارانی را به اطراف فرستاد، زمین های آنان را به تصرف خود در آورد (یاری، ۱۳۸۰: ۴۶). در فتوح البلدان بلاذری اینگونه آمده است که ابوموسی « داماد خویش سائب بن اقرع ثقفی را به حیمره، پایتخت مهر جانقذق فرستاد سائب، آنجای را به صلح گشود، بدان شرط که کسی از ایشان را خون نریزد یا به اسیری نگیرد و رز و سبم مردم نستانده مردم نیز پذیرفتند که جزیه و خراج زمین ها را بپردازند، بدین سان، همه دیه های مهرجانقذق فتح شد» (بلاذری، ۱۳۶۴: ۶۷). در جریان فتح همین نواحی بود، که هرمزان به اسارت اعراب در آمد و به مرکز خلافت فرستاده شد . در کتاب الکامل ابن اثیر آمده است که « آذین پسر هرمزان و ضرار بن خطاب، در دشت ماسبذان به هم بر خورد نمودند و جنگی شدید در گرفت توسط ضرار دستگیر و سرش از تن جدا شد» (ابن الاثیر، ۱۳۶۵: ۲۱۷). این سرزمین، پس حمله سپاهیان عرب، در تقسیمات و تشکیلات جدید جزء ایالت جبال یا کوهستان بود و سیمره و سیروان که یک از آنها ایالتی بودند، بخشی از حیطه حکومتی بغداد و بصره به شمار می رفته اند . پس از سيطرة عربها بر قسمت اعظم خاک کشور ایران و تبع آن، اشغال مناطق کرد نشین و لر نشین از سوی این نیروها، چون کردان و لران منطقه پشتکوه و پیشکوه از روحیه جنگاوری بی نظیری برخوردار بودند، عربها نتوانستند که آنها را سرکوب یا مطیع خود سازند و از سوی دیگر چون اعراب، تجربه مدیریت لازم را برای اداره کارهای امپراتوری ساسانی را نداشتند، ناگزیر نتوانستند به تمام سرزمین ایران از جمله ایلام کنونی سيطرة کامل پیداکنند و این منطقه تا سالیان متمادی حاکمانش، از سوی خلفا تعیین می شدند (علیرضایی، ۱۳۸۰: ۲۶).

شهرهای ایلام در دوره ساسانی

اهمیت دادن ساسانیان به این منطقه و دنبال کردن سیاست تمرکز و یکجانشینی عاملی شد تا روز به روز بر شهرهای بزرگ و بزرگتر شوند، مصالح معماری معمولاً قلوه سنگ، ملاط، ساروج و گچ بوده اند و بناها به شکل چهار طاقی، طاقهای هلالی و جناقی راهروها و کنبدهای مختلف داشته اند، این نوع معماری خاص دوره ساسانی است، طاقنمای راهرو صلیبی و گنبدهای شلجمی و اهلیجی را، چه در طبقات پایین و بالایی متحمل شده است که می توان این عناصر را امروزه دید و لمس کرد، با توجه به تفاوت فراوانی بافت شهری و نوع مصالح معماری عیلامی و ساسانی، باستان شناسان، امکان وجود شهر عیلامی را در منطقه ای که امروزه دره شهر نامیده می شود را منتفی دانسته اند؛ در واقع دمورگان ویرانه های شهر مدکتور رت در دهانه کرخه و سیمره یعنی دره شهر کنونی اعلام کرد، در حالی که دره شهر در محل تلاقی دو رود سیمره و کشکان واقع شد است، پنجاه سال بعد از دمورگان، گریشمن محل مدکتور ر در بخش وسلطای رود کرخه اعلام کرد (افشار، ۱۳۷۲؛ ۵۱-۲۴۹).

در این قسمت شهرهای مهم ایلام در دوره ساسانی را نام برده و توضیحاتی در مورد آن-ها ارائه می کنیم:

۱) سیمره: این شهر در دوره ساسانی رونق زیادی داشته و بیلاق شاهان و پایتخت تابستانی آنان بوده است. لرها بر این باورند که این شهرها را خسرو پرویز ساخته. داستانهای زیادی نیز درباره شیرین و فرهاد، در رابطه با این شهر نقل می کنند. ممکن است دژ مستحکمی که در ارتفاعات شرق تیسفون وجود داشته است و خسرو هنگام تهدید از سوی امپراطوری هراکلیوس، زنان و فرزندان را به آنجا منتقل کرده، در سیمره قرار داشته است. پس از حمله اعراب سیمره حاکم نشین بود و در سالهای بعد نیز آباد و خرم باقی ماند (افشار، ۱۳۷۲؛ ۵۱-۲۴۹). سیمره شهر بزرگی به شمار می رفت که شاید متجاوز از ۵۰۰۰ خانه و جمعیتی بالغ بر ۲۰۰۰۰ نفر داشته است (ایزدپناه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۶۷). این شهر در زمان یاقوت حموی توسط زلزله خراب شده، بسیار از عمارت ها روی یکدیگر ریخته و این در حالی است که سنگ ها و گچ

های این عمارت هنوز محکم است و باقی مانده اند . آنچه معلوم است این شهر مکان تجارت نبوده بلکه مکانی سکنه نشین و زراعتی بوده، در زمان ساسانیان آباد شده و از زمان عباسیان محل سکونت بوده و تا زمان آل بویه مانده است. سیمره را باید طلیعه و سر آغاز شهر نشینی در منطقه ایلام محسوب کرد متأسفانه در سال ۳۳۴ هـ . ویران شده است(شیخی، ۱۳۸۱: ۹۲) لیکن از آن پس تا دهه دوم قرت بیستم میلادی پیدایش شهر و توسعه زندگی شهر نشینی به تأخیر می افتد و طی این قدرت هیچ کانون شهری پدید نمی آید، از این رو باید گفت که سرزمین ایلام از امپراطوری ساسانی به بعد تا انقلاب مشروطیت از عوامل اساسی تکوین و توسعه شهر به دور مانده است(شیخی، ۱۳۸۱: ۹۲) سیمره مرکز ایالت جبال بود و جزء حیطه حکومتی بصره به شمار می آمد که تا نیمه اول قرن ۴ هجری به حیات خود ادامه داد و تا دوران حکومت قاجاریه اطلاعی از آن در دست نیست که در این دوران با ورود حسین قلی خان ابوقداره بار دیگر این منطقه رونق گرفت (ایزدینا، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۶۷). یاقوت حموی در مورد سیمره می گوید: «سیمره از نواخی جبل از سوی خوزستان و آن را بنام مهرجان قذق می خوانند و آن آبادان و دارای میوه و آبهاست»(حموی، ۱۳۶۲: ۱۱۸).

مسعودی در کتاب التنبیه و الاشراف در مورد سیمره می گوید: «از سرزمین جبال است که در دامنه کوهی به نام کبر است [و] از مناطقی است که به فراوان زلزله معروف است»(مسعودی، ۱۳۴۹: ۴۸).

توضیح اینکه در کتابهای جغرافیایی قدیم رشته کوه درازی که امروزه او را کبیرکوه می گویند "کبرکوه" قید شده است . کبر در فارسی معنی بوته ای است که آنرا به عربی آصف گویند و نام آن در کتابهای داروشناسی قدیم آورده شده است . پس واژه « کبیرکوه » غلطی است که در اثر ناآگاهی نویسندگان متأخر پدید آمده و رواج یافته است . سیمره در دامنه این کوه بوده است(شوشتری، ۱۳۵۴: ۱۰۷). شهر سیمره به اعتقاد برخی ساخته خسرو پرویز بوده است، داستان هایی نیز درباره شیرین و فرهاد نیز در این رابطه نقل کردند، در این ناحیه محلی به نام قصر شیرین، واقع در پرتگاهی وجود دارد، که لران معتقدند خسرو پرویز، شیرین را در این محل سکونت داد تا فرهاد به دست نیابد(افشار، ۱۳۷۲: ۵۱۶). شهر تاریخی سیمره که خرابه هایش در جنوب شرقی شهر

کنونی دره شهر واقع شده بزرگترین محوطه تاریخی را در استان ایلام تشکیل می دهد و بالغ بر ۲۰۰ هکتار وسعت دارد . تاکنون در این محوطه ۹ فصل کاوشهای باستان شناسی در این محوطه تاریخی صورت گرفته است(اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۲۶).

۲) **ماسبذان** : در برخی منابع آمده است که استان ایلام امروزی در زمان اردشیر شاه، ماسبذان نامیده می شد هم چنانکه ماه نهند و ماه بسطام به معنی سرزمین های نهند و بسطام آمده اند، اعراب ۲ واژه ماه وسبذان را باهم ترکیب کرده اند و حرف « د» را به «ذ» تبدیل کرده است و این ناحیه را ماسبذان نامیده اند(راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۴). پیش از اسکندر، نام این منطقه از آریوخ به سَبَد که جمع آن سبذان است تغییر کرده و با پیشوند (= سرزمین) به صورت ماه سبد و ماه سبذان در آمده است . استرابون از آن با نام ماساباتیس، یکی از بخش های بزرگ دولت عیلام، بین شوش و نواحی اطراف کوههای زاگرس یاد کرده است . پلینی آن را مِزوباتِن نامیده که منطقه ای است زیر کوههای کامبالیدوس، ورود الثوس در مسیر خود به طرف به طرف دشتهای شوش، آن را مشروب ساخته است . " تونیسیوس " ساکنان این منطقه را هزاباتی و بطلیمیوس آنان را سامباتایی می نامند، دیو دوروس در توصیف لشکر کشی اسکندر از آن به نام سمبنه یاد می کند(افشار، ۱۳۷۲: ۲۹). این نام به صورتهای دیگر در کتابهای جغرافیایی آمده است، از جمله به شکل ماسبتان که گفته شده "ما" صورت دیگر لفظ "ماد" است، در تقسیمات جغرافیایی موسی خورنی این ولایت را به نام های سپنتا و جزء کوست خوبزان(خوروران) ذکر شده است(ایزدیناه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۹۶).

در سفرنامه ابوالف آمده است : « این شهر زیبا در دشتی میان کوههای پر از درخت واقع است و در آن آبهای معدنی و گوگرد و زاج و شوره و املاح دیگر وجود دارد، آب آن به بند نجین می ریزد و نخلستانها با آن آبیاری می شود : در شهر مزبور سه چشمه معدنی و چشمه دیگر موجود است.»(ابودلف، ۱۳۵۴: ۶۱)

مسعودی در انتیبه والاشراف از آتش فشان اریو جان در ولایت ماسبذان که به نام حمه تومان معروف بوده نام می برد و می گوید « مجاور منجلان است و از چهل فرسخی بغداد بر راه بند نیجین و ابزار الروز دیده شود » (مسعودی، ۱۳۴۹: ۵۹).

نویسنده کتاب تاریخ سیستان به نقل از یاقوت حموی آورده است: « از ماسبذان به رذ چند فرسنگ است و قبر مهدی در رذ است » (مجهول المؤلف، ۱۳۵۲: ۱۵۰). در تاریخ یعقوبی نیز به این مسئله اشاره شده است (یعقوبی، ۱۳۴۳، ج ۲: ۴۰۳). شهر ایلام به عقیده مردمان محل، در زمان ساسانیان، ماسبزان نامیده می شده است، زیرا از شیر دام های این ناحیه که بیشتر بز بوده اند ماست تهیه می شده است (افشار، ۱۳۷۲: ۵۰۷). معتمد الدوله فرهاد میرزا می گوید: « لفظ ماسبذان در اصل ماست بندان بوده و چون بلوک علف خیز است همیشه گاو و گوسفند در آنجا چرا می کردند و دوغ و ماست و روغن از آنجا می آوردند که به مصرف کارخانه اکاسره می رسید. » (قاضی طباطبایی، ۱۳۵۱: ۹۰)

۳- **سیروان**: این منطقه محل ییلاقی بعضی از امرای دوره ساسانی و هنوز هم آثاری از آن باقی مانده است (ایزدپناه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۹۶). ابن فقیه می گوید: « قباد پادشاه ساسانی اطبا به شهر سیروان آورد » (شیخی، ۱۳۸۱: ۹۲). این شهر در سال ۲۵۸ هجری ویران و متروک شده است (همان). دموگران می گوید « تصور می کنم که سابقاً این محله یک شهر عیلامی موسوم به « هارپانو » بوده است و تقریباً در ۲۰۰۰ متری آنجا خرابه های بسیار جالب توجهی از یک شهر ساسانی موجود است. (همان). در کتاب سیستان آمده است: « ماسبذان و سیروان یکی است و این شهری است قدیمی از بلاد جبال که بین کوهستان واقع شده و از این حیث شبیه به مکه است و بین آن و سیمره دو منزل است (مجهول المؤلف، ۱۳۵۲: ۲۷). ابودلف می گوید: « در این مکان آثار زیبا و ساختمانهای عجیب موجود است » (ابودلف، همان). به نظر می رسد نام شهر سیروان امروزی مخوذ از همین اسم باشد، سیروان با سابقه ای درخشان یکی از قدیمیترین و غنی ترین مناطق باستانی است که در منطقه سراب کلان امروزی واقع بوده که هم اکنون حتی ساختمان سقف در آن مشاهده می شود. خرابه های سیروان کامل ترین

بازمانده یک شهر ساسانی به شمار می‌آیند، دیوار منازل عموماً عظیم و از سنگ و ملاط آهکی فوق‌العاده محکم ساخته شده‌اند. این شهر بر سر راه باستانی هگمتانه، شوش واقع شده بود. به جای جای نقاط واقع در دره شیروان محل آثار باستانی و تپه‌های تاریخی و قلاع نظامی است. از جمله پایین‌تر از شهر سراب پایین تپه معروف به توبره ریز وجود دارد که دارای آثار باستانی و ساختمان سازی باستانی نیز هست، همچنین بر تیغه مشرف بر صیمره در ساحل راست آن قلعه نظامی مستحکمی به چشم می‌خورد (اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۶). بر روی بعضی از دیواره‌ها که سالم مانده نقش گل و بوته که گویی چند سال پیش کشیده شده‌اند دیده می‌شود و در بین خرابه‌های این شهر کافی منسوب به انوشیروان نیز مشاهده می‌گردد. (مشکور ۱۳۷۱: ۳۹۷)

۴ - **مهرجان قذق**: یاقوت حموی در معجم البلدان می‌نویسد: «مهرجان قذق ولایتی است نیکو دارای شهرها و دهات، در نزدیکی سیمره، از نواحی قبال در طرف راست کسی که از حلوان عراق به طرف همدان می‌رود» بنابراین باید مهرجان قذق غیر از سیمره باشد لیکن مقدسی می‌گوید: ماسبذان و مهرجان قذق همان سیمره است (همان: ۴۲۷). ترجمه مهرگان قذق "خانه مهرک" و به سریانی "بت مهرکانه" می‌باشد. هرزمان از اهالی آنجا بود (همان). وی یک دژ مستحکم این منطقه بر پا کرده بود (ابودلف، ۱۳۵۴: ۱۲۳).

آثار تاریخی استان ایلام (مربوط به دوره ساسانی)

آثاری از دوره ساسانی در محدوده ایلام کنونی وجود دارند که ما در این قسمت به آن‌ها اشاره می‌کنیم، ما در اینجا ذیل ۴ عنوان پل‌ها، آتشکده‌ها، غارها و دخمه‌ها، تپه‌ها و قلاع به این بحث می‌پردازیم:

الف) پل‌ها:

۱- پل گاومیشان: این پل بزرگ با ۵ چشمه عظیم و مرتفع به طول ۱۷۵ متر و عرض گذر ۲۰/۸ متر با استفاده از قلوه سنگ و آجر و ملاط گچ نیم کوب ساخته شده است که در پایه‌های اصلی آن از بلوک‌های سنگی بزرگ استفاده شده است (اداره کل

میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۲۸). این پل در مسیر رودخانه سیمره، پس از تلاقی با رود کشکان، بنا شده است. بنای اولیه آن مربوط به دوران ساسانی بوده ولی قوسهای جناقی آجری و تعمیرات سنگی، که نمای کنونی پل را تشکیل می دهند، نشانگر مرمت آن در دوره های بعد است (افشار، ۱۳۷۲: ۲۱۲).

هنری راولینسون مشاور نظامی ارتش انگلیس در ایران در سالهای ۱۳۸۹-۱۸۳۳ می نویسد: «در حدود ۸ میلی [۱۴/۸ کیلومتری] شرق سیمره، پل قدیمی به نام پل خسرو وجود داشته است که آثار دوتا از پایه های آن هنوز به چشم می خورد. از مشاهده وضع ظاهری آثار این پا کاملاً پیداست که همزمان با شهر سیمره و سیروان ساخته شده است» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۸). وی در ادامه آورده است: «پلی که هم اکنون بر روی رود کرخه (سیمره) قرار دارد، یکی از بهترین پل هایی است که در ایران وجود دارد و آن را حسین خان بزرگ والی معروف لرستان بنا (تعمیر) نموده و طول آن ۱۶۵ گام می باشد» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۱۹) در باب وجه نام گذاری پل می گویند که گاملشان تحریفی است از گاماس یا گاماس آب که سرچشمه اصلی رود سیمره است. واژه گاماس، از دوباره گاو و ماس به معنای تشکیل شده، بر کوه چهل نابالغان که در واقع در سرچشمه اصلی سیمره است تصویر ماهی کنده شد است (کریمی، ۱۳۴۷: ۱۷۸).

برخی نیز وجه تسمیه آنرا بر گرفته از «گومیشه» یعنی محل پرورش گاو میش می دانند، سر اورل استیل نام اولیه این پل را «گاماسا» می نویسد، گاو میش یا گاو میشو نام های دیگر این پل هستند (ناصری، ۱۳۸۱: ۵۶). بعضی بر این باورند که گاو میش نر در قدیم جفت خود را گم می کند و در پی یافتن آن تمامی دره ها و غارها را در می نوردد و سرانجام آنرا در غاری در این محدوده می یابد. از آن پس این منطقه را گاو میشو نامیده اند (ناصری، ۱۳۸۱: ۵۶) که البته این مورد در میان عامه مردم دهان به دهان گشته است. به عقیده برخی مورخین محلی این پل مربوط به اوائل دوره اسلامی است. که باید گفت با توجه به نوع مصالح به کار برده شده در آن به نظر می رسد به همان دوره ساسانی برگردد. همانطور که در بالا گفته شد پل از پنج چشمه بزرگ تشکیل شده بود که اکنون فقط با یک چشمه آن سالم مانده است. ارتباط چشمه ها با مسیر حرکت آب و طغیان آن محرز می باشد. این پل بسیار فنی و پیچیده ساخته شده

به طوری که رقیبی جدی برای خواجو، کشکان و... به شمار می آید. این پل شباهت زیادی به پل شادروان در شوشتر دارد و در همان دوران ساخته شده است. تکیه گاههای اصلی پل، مدور و قطور هستند و مصالح آن را از سنگهای مکعبی بزرگ تراشیده در ابعاد مساوی به صورت رگ چین روی هم چیده شده و پایه های اصلی پل را بوجود آورده اند، داخل این پایه ها با قلوه سنگ و گچ پر شده است و در سقف طاقها از آجر استفاده شده است. طاق های جناقی، دالان ها و راهروها همگی از آجرهایی به ابعاد ۲۵×۲۰ سانتی متری ساخته شده اند و نمای داخلی پل بوسیله ملاط گچ تزیین شده است. این پل طاقچه های مسدود و باز و موج شکن هایی دارد که بوسیله راهرو و با چند پل به هم متصل می شوند. وجود پله ها در میان دالان ستون میانی، بیانگر این امر است که این پل فقط یک پل ارتباطی نبودن و با توجه به راهروهای داخلی، اتاقها پلکان و کاروانسرا از آن به عنوان سرپناه به هنگام عبور استفاده می کردند. تخریب این پل در سال ۳۳۴ با زلزله ای مهیب که در این منطقه رخ داد صورت گرفت (ناصری، ۱۳۸۱: ۵۷).

۲- پل چم نمیش: این پل در مسیر رود سیمره و ۴ کیلومتری شمال دره شهر، مقابل روستای چم کلان احداث شده است. مصالح ساختمانی آن را قلوه سنگ و ساروج تشکیل می داده اند، در حال بقایای پایه های بیرونی. موج شکنهای آن دیده می شوند. کیفیت معماری پل، نوع مصالح به کار رفته، و روش ساخت آن، با آثار تاریخی دره شهر مطابقت و رسیدن قدمت ساختمان آن به دوران ساسانی، محرز است، این پل که ظاهراً تا سده های اخیر مورد استفاده بوده است، با خطی مستقیم به دهلیز ورودی آثار دوران ساسانی دره شهر، مربوط می شود (کامبخش فرد، ۱۳۶۸، ج ۳: ۵۱-۵۰). ابودلف جغرافی دان و جهانگرد عرب که در سالهای ۳۴۱-۳۳۱ ه. ق از شهرهای ایران دیدن کرده است می نویسد: « میان سیمره و طرهان، پل بزرگ زیبا و عجیبی برپا می باشد که دوبرابر پل خانقین است» (ابودلف، ۱۳۵۴: ۶۱).

یاقوت حموی هم از این پل نام برده و آن را از عجائب پلهای عالم دانسته است (لسترنج، ۱۳۶۴: ۱۲۸). این پل ۱۸ چشمه داشته و اندازه دهانه هر طاق، فاصله بین دو پایه، ۱۵ متر و طول تمام پل، بیش از ۲۷۰ بوده است. در این بنا سنگ لاسه و ملات گچ به کار

برده شده که به علت وجود آوار ساختمان پل و خاک های اضافه شده در طول ادوار گذشته، پایه های آن مشخص نیست . من حیث المجموع می توان می توان آن را یکی از بناهای دوره ساسانی دانست که آن زمان ارتباط دهنده شهرباستانی سیمره با ناحیه طرهان که از این منطقه، راه به سوی کشکان و خرم آباد امتداد است . پل چم نمشت با توجه به وجود چشمه ها و نیز طول آن از پل گاومیشان کوچکتر است(ناصری، ۱۳۸۱: ۵۷)

۳- پل کرودیت : این پل در روستای چم بور واقع در ۳۵ کیلومتری شرق شهر سرابله واقع شده است، کر در زبان کردی به معنی پسر و دیت به معنی دختر می باشد، اینکه چرا به این نام خوانده شده در حاله ای از ابهام است .

ب) آتشکده ها:

۱) آتشکده سیاهکل : در روستای سیاهکل (۱۹ کیلومتری غرب شهرستان ایوان) آتشکده سیاهکل یا سه پا تنها آتشکده استان ایلام است که تقریباً سالم مانده است . این اثر تاریخی در روستای سیاهکل از توابع شهرستان ایوان در حاشیه رودخانه کنگیر ساخته است . بنای آتشکده در مسیر راه باستانی قرار گرفته که آثار ساخت و سازهای چون قلعه، محوطه و بنادر فواصل دور و نزدیک آن موجود می باشد . مصالح ساخت بنا قلوه سنگ و گچ نیم کوب بوده، تا الان چند فصل کار مرمتی و حفاظت بر روی آن صورت گرفته است(داره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام: ۱۳۸۹: ۲۲).

۲) آتشکده دره شهر : در شرق دره شهر، بر روی تپه تنوره سرخ، بنای یک آتشکده به صورت چهار طاق باقی مانده است . این بنا را در محل، طاق می گویند . اندازه داخلی آن $۳/۲۰ \times ۳/۲۰$ متر است و ابعاد هریک از طاق های آن $۱/۸۵ \times ۱/۳۰ \times ۱/۱۵$ و بلندی آن ها کمی بیش از ۵ متر است . این بنا که تماماً باقلوه سنگ و گچ ساخته شده در حال نابودی است(ایزدپناه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۴۷۴) .

۳) آتشکده موشکان : این آتشکده در بخش مرکزی شهرستان شیروان چرد اول واقع شده است (داره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۴۱).

۴) آتشکده قنفیر : در ارتفاعات کوه یشمین ملکشاهی، آثاری از ۲ برج و یک آتشکده از دوران ساسانی بر جای مانده است، ارتفاع آتشکده ۵ متر و مساحت آن ۲۷ متر است، این آتشکده دارای چهار دهانه ورودی می باشد (داره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۴۵).

ج) غارها و دخمه ها :

در داخل تنگ کول کنی^۱ غارها و دخمه ها و اشکفت هایی وجود دارند، که با مطالعه آن آثار ارزشمندی از دوره های مختلف به دست آمده اند . در مدخل تنگ، دهانه غاری به طول ۳۰، و عرض ۸/۵ و ارتفاع بیش از ۴ متر وجود دارد . ابعاد داخل غار، از فاصله ۱۵ متری مدخل آن به بعد، به تدریج کم می شود، در اطراف غار حوضچه ای است که با قدمت آن مشخص نیست ولی احتمالاً مربوط به شهرسازی خارج از تنگ بوده است (افشار، ۱۳۷۲: ۲۲۴).

در اطراف تنگ ۱۲ دخمه یا اشکفت وجود دارد که در بعضی از آنها نشانه هایی از سکونت انسان مشهود است . دخمه ها یا دخمه های انوشیروان متشکل از ۳ اشکفت کنار هم و یک اشکفت بر بالای آنها است . از ۳ اشکفت پایینی دوتا در جوار یکدیگر، و دیگری با اندکی فاصله در سمت چپ قرار دارد و جلوی دیواری، تانیمه بسته شده است . فضای داخل آن بسیار کوچک و به اندازه یک نفر دراز کشیده است . ورودی اشکفت میانی، تنگ باریک، ولی فضای درون آن وسیعتر است . در دیوار بین ۲ اشکفت دیوار بزرگی وجود دارد که عبور از آن امکان پذیر نیست . آثار باستانی این نقطه غارت شده اند، اما در کندکاو اشکفت اخیر یک قطعه سفال، از نوع سفالهای نیمه هزاره اول ق.م به دست آمده است (افشار، ۱۳۷۲: ۲۲۵). مردم منطقه ماژین، درباره اشکفت انوشیروان، داستانهایی نقل می کند، مثلاً می گویند انوشیروان هنگام جان سپردن، وصیت کرد که

پس از مرگ، کالبدش را در مکانی دور از دسترس بگذارند. از این رو بازماندگانش پس از جستجوی بسیار، اشکفت کول کنی را می‌یابند و جسد را در آنجا قرار می‌دهند، اهالی می‌گویند، تاکنون جز دو سه نفر کسی نتوانسته به داخل آن راه یابد به گفته آنان جسد را داخل تابوتی در بسته نهاده شده و بر روی تابوت مجسمه مردی بر تخت جلوس کرده بود که بر پشت و بالای سرش ماری که از چشمانش آتش شعله ور، دیده می‌شد. برخی نیز می‌گویند که در حدقه چشم مار دو عدد یاقوت درشت بوده است. همچنین گویند که به هنگام غروب، بویژه شبهای چهارشنبه، پریان برنامه جشن و سرور برپا می‌کنند و صدای آنان در خارج تنگ شنیده می‌شود. مردم ماژین با توجه به این اشکفت داستانهایی را که فردوسی، در شاهنامه و بنا کتی در کتاب آورده‌اند، به این اشکفت منسوب دانسته‌اند. اما باید گفت که انوشیروان پیرو آیین زرتشت بود. و احتمالاً نسبت به عقاید خودنیز تعصب داشته است، بنابراین نمی‌توان گوری داشته باشد و تاکنون گوری از شاهان ساسانی دیده نشده است (افشار، ۱۳۷۲: ۲۲۶).

اشکفت یا تنگ چوبینه در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی دره شهر در دامنه فرعی شمالی کبیرکوه قرار گرفته است. بقایایی از ساختمانهای قلوه سنگی و ساروجی دوران ساسانی در این تنگه دیده می‌شوند، که با مصالح معماری موجود در محل کاملاً در ارتباط اند. هنوز هم قسمتهایی از دیوار کشی بر ارتفاعات شمالی و جانبی تنگ به تبع وضعیت طبیعی کوههای اطراف، با همان شیوه معماری و مصالح انجام می‌شود. بدینوسیله دهانه تنگ کاملاً مسدود و مهار شده است. در سینه کش ارتفاعات شرقی و دقیقاً در دامنه فرورفتگی کوه، چشمه آبی، درون صخره‌ها جریان دارد که سطوح جانبی مسیر آن در گذشته حجاری شده‌اند. آثار دست ساز درون این صخره‌ها و سد موجود در دهانه آن، با منظره طبیعی تنگه تناسب یافته و چشم اندازی دل‌انگیز و دلنشین ایجاد کرده است (کامبخش فرد، ۱۳۶۸، ج ۳: ۵۵-۵۳). در داخل این تنگه بنای شاه نشین، حوضچه‌های سنگی آب و برج و باروی جنوبی و شمالی دارد (داره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۳۱). مردم این آثار را قصر بهرام و تنگ چوبینک می‌نامیدند.

د) تپه‌ها و قلاع: از تپه‌های باستانی و معروف این منطقه می‌توان به تپه‌های تیخان، کوزه‌گران، کل‌یزید، کاک‌موسیوند، تپه‌قلعه‌زنیل، تپه‌قلعه‌گل، تپه (شکله، تپه‌سیکان، تپه‌فرهادآباد، تپه‌های سرگچله، تپه‌سکه‌سون، تپه‌چغا‌سبز و... اشاره کرد. تپه‌قلعه‌گل در نزدیکی دره‌شهر، تپه‌سیکان و تپه‌سکه‌سون، در جنوب غربی دره‌شهر نزدیک کوهپایه کور (کبیرکوه واقع شده است در این مناطق سکه‌هایی مربوط به دوره ساسانی و اوائل اسلامی به دست آمده است (افشار، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

تپه پامیل در منتهی‌الیه حریم شرقی دره‌شهر قرار دارد، سفالهایی از این منطقه که بی‌لعب و یکدست هستند، مربوط به اواخر دوره ساسانی و اوایل اسلام پیداشده است که نمایانگر استقرار در دوره ساسانی است، نتایج گمانه‌زنی نشان می‌دهند، که قدیمیترین دوران استقرار، در ویرانه‌ها شهر تاریخی دره‌شهر مربوط به عصر ساسانی است، از این رو اظهارات باستان‌شناسان غربی درباره امکان وجود پایتخت و یا ایالت عیلامی مدکتو در لایه‌های تاریخی و زیرزمینی دره‌شهر به طور مستدل رد می‌شود (کامبخش‌فرد، ۱۳۶۸، ج ۳: ۵۵-۵۳).

از قلاع مهم دوران مربوط به این دوران هم می‌توان به قلعه‌سام، قلعه‌شیاق، و تپه‌پشت قلعه و... اشاره کرد.

۱) قلعه‌سام: این قلعه در روستای چم‌بور در دهستان بیجنوند واقع در بخش مرکزی شهرستان شیروان و چرداول قرار دارد. این قلعه در عهد ساسانیان دو برج در شمال و شمال غربی است، که ارتفاع هر یک ۱۲ متر است. جهت نگاهبانی از تأسیسات داخلی و محافظت از حکمران ناحیه در دل صخره‌ها اتاق‌هایی تعبیه کرده‌اند. در قسمت جنوب غربی قلعه، آثار چهارطاقی یا آتشکده‌ای دیده می‌شود که در زمان تسلط اعراب به صورت مسجد در آمده است. چشمه‌های آب‌گوارا، همچنین ریشه درختی به نام عود یا هئومه، که از آن برای اعیاد و جشنها استفاده می‌شده است، در آنجا یافت می‌شوند (افشار، ۱۳۷۲: ۲۴۷).

۲) قلعه‌شیاق: قلعه یا شهر باستانی شیاق، بر فراز تپه‌ای، بین دو رودخانه جاری در تنگ، معروف به وویله در دامنه کوههای تحت پیرامون در شمال بخش زرین‌آباد، واقع است. این قلعه، با توجه به مصالح به کار رفته در ساختمان آن، که سنگ و ملاط و

ساروج اند، متعلق به دوره ساسانی است و چون در نزدیک بین النهرین قرار داشته به عنوان انبار آذوقه استفاده می شده است. بقایای اتاق های قلعه جهت اسکان فرماندهان و حکمرانان ناحیه استفاده می شده به جای مانده اند. برای تأمین آب ساکنان قلعه، کانالی از سنگ وملاط ساروج ساخته شده که آب مورد نیاز را از تنگ وویله، کمک به شیب طبیعی زمین به داخل قلعه آورده است. در قسمت شمال قلعه شمال قلعه و بر روی تپه های مشرف آن دو دستگاه ساختمان که برجهای دیده بانی بوده اند، وجود دارند(افشار، ۱۳۷۲: ۳۳۷).

۳) تپه پشت قلعه: در ۳ کیلومتری جنوب شرقی آبدانان در حاشیه غربی روستای پشت قلعه بر روی تپه ای مخروطی نسبتاً مرتفع بنایی قرار گرفته است که به نام پشت قلعه آبدانان مشهور می باشد. این قلعه تاریخی مربوط به دوران ساسانی بوده است و دارای برج و بارویی مدور، بنای شاه نشین و تونل دسترسی به آب بوده است و در ساخت آن از قلوه سنگ و ملاط گچ نیم کوب استفاده شده است(داره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، ۱۳۸۹: ۱۹-۱۸).

نتیجه گیری

اردشیر ساسانی با کمک بزرگان متحد خود، حکومت اشکانیان را در هم شکست و سلسله ساسانی را با ساختاری جدید تأسیس کرد. ویژگی مهم این حکومت جدید، تمرکز سیاسی و وحدت دینی بود و بر اساس تقسیمات جدید کشوری منطقه ایلام جزء سرزمین پهل (یا پهلوی)، استان بزرگی که اعراب بعد از فتح ایران آن را جبال می گفتند، قرار گرفت، در زمان حکومت ساسانی این منطقه به علت حاصلخیزی و نزدیکی به جلگه بین النهرین جمعیتش روبه افزایش نهاد و شهر سازی و شهر نشینی در این منطقه رونق یافت و شهرهایی مانند ماسبدان، سیروان، سیمره، مهرجانقذق، دهستانهای بزرگ و کوچکی مانند الرذ و رودبار در این ناحیه تأسیس شد. ایلام در دوران ساسانی به جهت نزدیکی به "نیسفون" پایتخت ساسانیان و محل گذر به داخل کشور دارای بیشترین آثار مربوط به این دوره است. از جمله آثار می توان به قلعه کرودیت، پل گاومیشان، آتشکده سیاهکل و... اشاره کرد. به طور کلی باید گفت در

دوران پر فروغ ۴۱۶ ساله ساسانی استان ایلام، بخش جدایی ناپذیر از قلمرو سلطنتی پادشاهان این سلسله بوده است که در عمران و آبادانی آن سعی وافری کرده اند. با توجه به شهرها و قلاع متعدد، اوضاع و احوال اقلیمی و موقعیت بسیار حساس سیاسی و نظامی، ایلام برای شاهان ساسانی از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است.

منابع:

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۶۵) الکامل فی التاریخ، ترجمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، چ ۲، تهران، دنیای کتاب.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، (۱۳۷۰) المسالک و الممالک، ترجمه حسین قره چانلو، تهران، نشر نو.
- ابودلف، قاسم بن عیسی (۱۳۵۴) سفرنامه ابودلف در ایران، با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، چ ۲، تهران، انتشارات زوار
- اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام (۱۳۸۹) راهنمای گردشگری استان ایلام
- اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (۱۳۸۹)، معرفی جاذبه های گردشگری شهرستان شیروان چرد اول.
- اشپولر، برتولد، (۱۳۶۹) تاریخ ایران در قرون اسلامی، ترجمه مریم احمدی، چ ۲، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
- افشار، ایرج (۱۳۷۲) ایلام و تمدن دیرینه آن، چ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- امام شوشتری، محمد علی (۱۳۵۴) مجله بررسیهای تاریخی «دوازده مقاله تاریخی» به کوشش یحیی شهیدی.
- ایزد پناه، حمید (۱۳۶۳) آثار باستانی و تاریخی لرستان، ج اول، تهران، انتشارات آگاه.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴) فتوح البلدان، مصحح محمد فروزان، مترجم آذرتاج آذرنوش، چ ۲، تهران، انتشارات سروش.
- پتروسفسکی، ایلیا (۱۳۴۲) تاریخ ایران، ترجمه کیخسرو کشاورز، تهران، بی نا.

پیرنیا، حسن (۲۵۳۶) تاریخ ایران باستان، چ ۷، انتشارات تهران، خیام.

حموی، یاقوت (۱۳۶۲) برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، چ ۲، تهران، انتشارات امیر کبیر

خلیلیان، علی محمد (۱۳۷۹) فصلنامه فرهنگ ایلام، "ایلام در گستره تاریخ"، شماره ۴۳، پاییز و زمستان.

دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۴) اخبار الطوال، ترجمه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی

راولینسون، هنری (۱۳۶۲) سفرنامه راولینسون، ترجمه سکندر امان اللهی بهاروند، تهران، انتشارات آگاه

ریحانی، جاسم (۱۳۸۳) فصلنامه تاریخ اسلام، "هرمزبان کارنامه و حیات سیاسی"، سال پنجم، شماره مسلسل ۲۰، زمستان.

زرین کوب، عبدالحسین و روزبه زرین کوب (۱۳۷۹) تاریخ ایران باستان (۴)، تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران، انتشارات سمت.

زیدان، جرجی (۱۳۸۶) تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، چ ۱۲، امیرشاهی، تهران، امیرکبیر..

شیخی، حجت (۱۳۸۱) فصلنامه فرهنگ ایلام، "روند تاریخی سکونت و شهرنشینی در ایلام"، شماره ۱۱ و ۱۲.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۶) تاریخ امم و الملوک، "منسوب به بلعمی"، مصحح محمد روشن، ج اول، تهران، نشر نو.

علیرضایی، کرم (۱۳۸۰) تاریخ و فرهنگ کهن سرزمین، چ اول، انتشارات تهران، مهانشهر.

قاضی طباطبایی، حسن (۱۳۵۱) تعلیقات و حواشی بر تجارب السلف، انتشارات نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تبریز.

کامبخش فرد، سیف الله (۱۳۶۸) دره شهر، شهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، ج ۳، تهران، بی نا.

- کریستین، آرتور (۱۳۵۹) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چ ۴، تهران، انتشارات ابن سینا.
- کریمی، بهمن (۱۳۴۷) فصلنامه بررسی‌های تاریخی «لرستان، پیشکوه و آثار تاریخی آن»، سال ۳، شماره ۲
- لسترنج، گای (۱۳۶۴) جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجهول المولف (۱۳۵۲)، تاریخ سیستان، مصحح ملک الشعراى بهار، چ ۲، تهران، اداره کل وزارت فرهنگ و هنر.
- مسعودی، (۱۳۴۹) التنبیه والاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۶۳) تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، تهران، انتشارات اشرفی.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۷۱) جغرافیای تاریخی ایران باستان، چ اول، تهران، نشر دنیای کتاب.
- ناصری، علیرضا (۱۳۸۱)؛ فصلنامه ایلام، "پل‌های باستانی دره شهر"، شماره ۹-۱۰.
- نعمتی، نورالدین (۱۳۸۰)؛ فصلنامه فرهنگ ایلام، "ایلام در گذر زمان"، شماره ۶۵
- نفیسی، سعید، (۱۳۸۴) تاریخ اجتماعی ایران از انقراض ساسانیان تا انقراض امویان، چ اول، تهران، انتشارات اساطیر.
- نهچیری، عبدالحسین، (۱۳۷۶) جغرافیای تاریخی شهرها، چ ۲ تهران، انتشارات مدرسه.
- یاری؛ سیاوش (۱۳۸۰)؛ فصلنامه فرهنگ ایلام، "گذری بر تاریخ چند هزار ساله ایلام"، شماره ۷ و ۸.